

معمای ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت

(بخش دوم و پایانی، ارزیابی عملکرد طرح‌های توسعه‌ای)

کورش برارپور
bararpoor@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

بخش نخست این مقاله در شماره پیش، به عارضه‌یابی وضعیت موجود سیستم‌های مدیریتی، نظام‌های اجتماعی و طرح‌های توسعه‌ای منطقه کلاردشت پرداخت و دلایل بروز ناپایداری در توسعه این منطقه عنوان شد. در بخش دوم این مقاله که پیش‌روی شماست، بر ارائه مدل‌های دقیق ریاضی برای اندازه‌گیری بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای آن منطقه، متمرکز می‌شود.

اگرچه نادیده انگاشتن فاز مطالعات امکان‌سنجی در فرایند اجرای اکثر طرح‌های توسعه‌ای کشورمان، یک عارضه مدیریتی به حساب می‌آید، اما نبود سیستم‌های نظارتی علمی و سامانه‌های ارزیابی عملکرد عینی در فازهای مختلف اجرای پروژه‌ها نیز خود، در ایجاد ناپایداری توسعه محلی یا منطقه‌ای در نواحی مختلف کشورمان، سهم بسزایی داشته است. سیستم‌های ارزیابی و نظارتی‌ای که اگر به درستی طراحی و اجرا شوند سبب خواهند شد تا طرح‌های توسعه‌ای ملی یا ناحیه‌ای کشورمان، به درستی مسیر رویه جلو خود را طی کند. با توجه به اینکه این نوشتار در حد بضاعت ناچیز نگارنده تلاش می‌کند تا یک منطق دقیق ریاضی و تفکری سیستمی را به فرایند ارزیابی طرح‌های توسعه‌ای کشورمان بنمایاند، اما هدف اصلی آن بیشینه سازی سطح آگاهی عمومی نسبت به آثار و تبعات ناشی از نبود رویکردهای علمی در فاز طراحی و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های کشورمان است.

نگرشی سیستمی به توسعه محلی در کلاردشت

مدل (شکل ۱)، که یک سیستم حلقه‌باز (Circuit-Open) از فرآیند توسعه محلی را در کلاردشت به نمایش گذارده، بیان می‌دارد: سرمایه‌گذاری اقتصادی به عنوان ورودی سیستم، طی فرایندی منجر به توسعه اقتصادی (به عنوان یک خروجی کاملاً قابل لمس) می‌شود. در این مدل سرمایه‌گذاری اقتصادی بر مبنای پیش‌بینی I_f سرمایه‌گذاری اقتصادی در حالت واقعی توسعه اقتصادی بر مبنای پیش‌بینی D_f معرف توسعه اقتصادی در حالت واقعی است. بر اساس مطالعات پیشین (برارپور، ب۱۳۸۷) و بر مبنای مدل حلقه باز نمایش داده شده در (شکل ۱)، مدیریت توسعه‌ای محلی، بازخورد موثری از عملکرد فرایند اجرای طرح‌ها یا نتیجه توسعه، با هدف کنترل و انجام اقدام‌های اصلاحی بر روی آن، دریافت نمی‌کند!

(نمودار ۱)، نیز رفتار مرجع توسعه پایدار کلاردشت، بر مبنای پیش‌بینی و واقعی را در یک دستگاه مختصات، نمایش

می‌دهد. بر این اساس، به دلیل رشد فزاینده تخریب محیط‌زیست کلاردشت از سال ۱۳۷۰ به بعد و همچنین کاهش سرمایه‌های طبیعی و اجتماعی و نیز رشد ایستای سرمایه‌های انسانی در آن منطقه (برارپور، الف ۱۳۸۷) روند واقعی توسعه پایدار (SDf) سیرکاهشی را طی کرده که منجر به ایجاد شکاف معنی‌داری با توسعه پایدار در حالت پیش‌بینی (SDf) شده است.

۲. ارایه مدلی ریاضی اصیل برای اندازه‌گیری بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای کلاردشت

اگرچه در بخش نخست این مقاله که در شماره پیش مجله چاپ شد، به فقرزا عمل کردن طرح‌های توسعه‌ای کلاردشت اشاره‌هایی شد، اما با توجه به محاسبه‌ها و مدل‌های ریاضی و یا از راه بازتعریف شاخص بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای بر روی مدل اصلاح شده (شکل ۱) (البته به عنوان یک سیستم حلقه‌بسته) نیز، می‌توان به اعتبار یافته‌های مطالعات پیشین افزود. در صورتی که بازخوردهای مناسبی برای مدل (شکل ۱)، ارایه شود رابطه (۱) مدلی را برای اندازه‌گیری بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای محلی در کلاردشت ارایه می‌دهد:

(۱) شاخص بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای

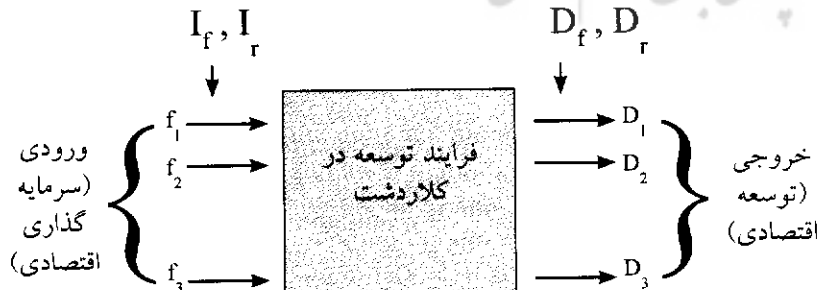
$$I(\alpha_I, \alpha_D) = \frac{\alpha_I}{\alpha_D}$$

در این رابطه α_D, α_I به ترتیب عبارتند از: «میزان مغایرت سرمایه‌گذاری اقتصادی در حالت واقعی نسبت به پیش‌بینی» و «میزان مغایرت توسعه اقتصادی در حالت واقعی نسبت به پیش‌بینی» که فاقد دیمانسیون بوده، مطابق با رابطه‌های (۲) و (۳) به صورت درصد بیان می‌شود:

$$\alpha_I = \frac{(I_f - I_r)}{I_f} \times 100 \quad (2)$$

$$\alpha_D = \frac{(D_f - D_r)}{D_f} \times 100 \quad (3)$$

از طرفی مطالعات پیشین (برارپور، ب۱۳۸۷) نشان می‌دهد توسعه اقتصادی در کلاردشت در حالت واقعی (D_r) تنها در حد ساخت و سازهای غیرضرور (به صورت ساخت بی‌رویه ویلا) و نامرتب با مأموریت‌های توسعه پایدار محلی محدود مانده که منجر به برهم زدن آمایش سرزمین محلی نیز شده است. بنابراین، توسعه اقتصادی در حالت واقعی در مقایسه با توسعه اقتصادی بر مبنای پیش‌بینی (که بر گسترش زیرساختها تاکید دارد)، بسیار اندک و یا قابل صرف نظر کردن است (یعنی: $D_r \ll D_f$). با این منطبق و از مقایسه روابط (۱)، (۲) و (۳) شاخص بهره‌وری توسعه به



شکل ۱. نمایش مدل سیستمی فرایند توسعه محلی در کلاردشت (منبع: یافته‌های پژوهش)

۳. پیشنهاد سیاست

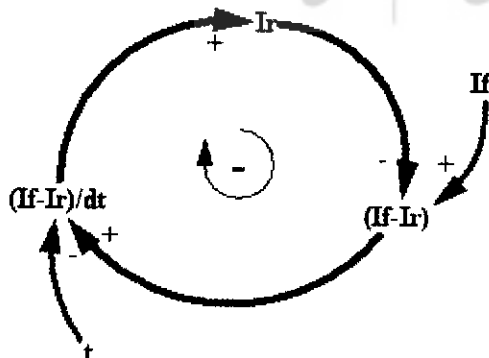
همچنین اگر براساس (نمودار ۱)، تحلیلی دینامیکی به مقوله بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای در کلاردشت ارایه شود، در این صورت مطابق با مدل مفهومی (شکل ۲)، که یک مدل دینامیکی هدف‌جو با بازخورد منفی و ماهیت کاهش‌ی را نمایش می‌دهد، می‌توان سیاست بهینه‌ای را پیشنهاد داد. براین مبادی؛ طبق رابطه (۷) می‌توان گفت: تغییرات سرمایه‌گذاری فیزیکی در طول به زمان با تفاضل سرمایه‌گذاری بر مبنای پیشبینی و سرمایه‌گذاری در حالت واقعی متناسب است.

$$(I_f - I_r)/dt = \beta I \quad (۷)$$

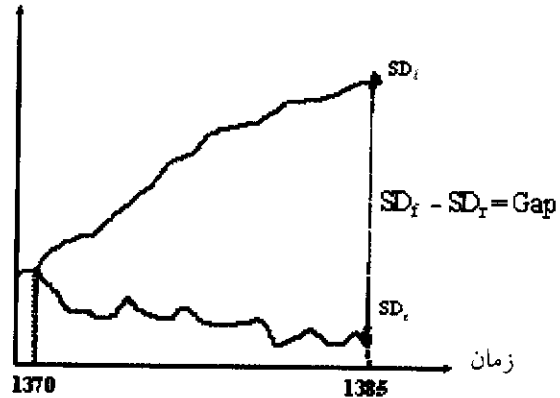
در رابطه ۷، I معرف تابع سرمایه‌گذاری فیزیکی و β ضریب سرمایه‌گذاری فیزیکی (نسبت انباشت سرمایه‌های فیزیکی به کل سرمایه‌گذاری صورت گرفته) در کلاردشت است. بنابراین اگر تابع سرمایه‌گذاری، تابعی پیوسته فرض شود، در این صورت با توجه به اینکه حجم سرمایه‌گذاری فیزیکی صورت گرفته در حالت واقعی نسبت به پیش‌بینی بیشتر است ($I_r > I_f$)، معادله دیفرانسیلی مطابق رابطه (۸) حاصل می‌شود:

$$dI/dt = -I\beta \quad (۸)$$

از حل معادله دیفرانسیل بالا می‌توان به تابع نمایشی رابطه (۹) رسید:



شکل ۲: مدل مفهومی سرمایه‌گذاری فیزیکی (اقتصادی) در کلاردشت با ماهیت کاهش‌ی (منبع: یافته‌های پژوهش)



نمودار ۱. رفتار مرجع توسعه محلی در کلاردشت، بر مبنای پیش‌بینی و واقعیت [منبع: داده‌های پژوهش]

صورت زیر قابل ساده‌سازی است:

$$I(\alpha_f, \alpha_D) = \frac{I_f - I_r}{I_f} = \left(1 - \frac{I_r}{I_f}\right) \quad (۴)$$

$$I_r > 0, 0 I_f > 0$$

با توجه به داده‌ها و مفروضات پژوهش، شاخص بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای کلاردشت در رابطه (۴)، می‌تواند مقادیر مساوی یا کوچکتر از صفر را دربرگیرد؛ یعنی:

(۵) در این صورت، طرح‌های توسعه‌ای در نقطه سربه سر قرار دارند.

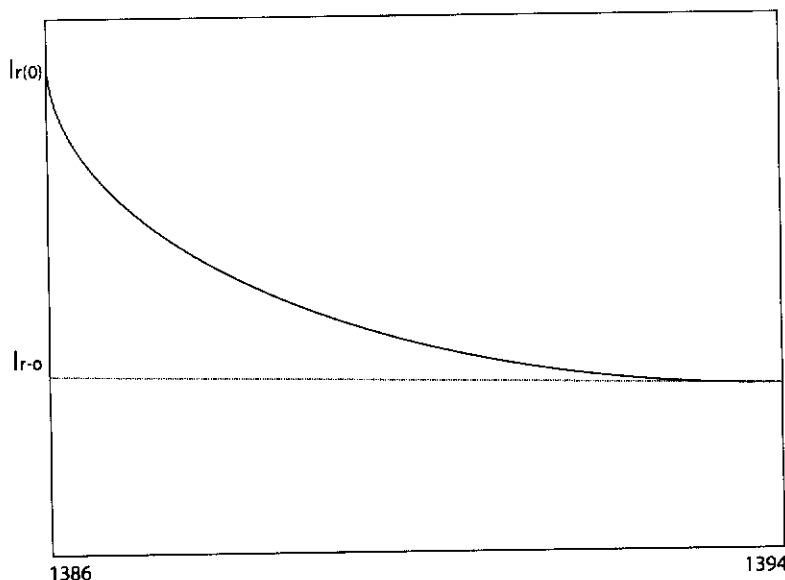
$$I(\alpha_f, \alpha_D) = 0, I_r = I_f$$

$$I(\alpha_f, \alpha_D) < 0, I_r > I_f$$

(۶) در این صورت، اگرچه حجم سرمایه‌گذاری صورت گرفته در حالت واقعی، نسبت به پیش‌بینی بیشتر است.

اما با ماموریت‌های توسعه پایدار همخوانی نداشته و روند پیشرفت توسعه در ارتباط با سرمایه‌گذاری صورت گرفته، رضایت بخش نیست. مطالعات (برارپور، ب۱۳۸۷) نشان می‌دهد: فرایند سرمایه‌گذاری اقتصادی کلاردشت در حالت واقعی (I_r) به جای تمرکز بر گسترش زیرساخت‌های شهری و گردشگری مانند ساخت هتل‌ها، جاذبه‌های گردشگری، فرودگاه، تله‌کابین، قطار شهری و دیگر زیرساخت‌ها، با رویکردی اعیان‌نشینی و بر خلاف سیاست‌های از پیش مطرح شده، به انبوه‌سازی و ساخت و ساز

نمودار (۲): سیاست کاهش سرمایه گذاری فیزیکی در کلاردشت، بر مبنای شبیه سازی ریاضی (منبع: یافته های پژوهش)



زمان

اگرچه از طرحها یا پروژه های توسعه ای در کلاردشت به عنوان پیشران توسعه یا محرک رشد صنعت گردشگری یاد می شد اما اجرای آنها با تاخیرهای زمانی، سبب ظهور دینامیک هایی مانند؛ تخریب جنگلها و محیط زیست و نیز خرید و فروش زمین یا اقتصاد مبتنی بر دلالتی در منطقه شده که هیچ ارتباطی با ماموریت های این صنعت پرارزش ندارد.

در این نوشتار، بهره وری طرح های توسعه ای مورد مدل سازی سیستمی و اندازه گیری ریاضی قرار گرفت. و همان گونه که از واکاوی نتایج این پژوهش بر می آید، هیچ یک از این طرح ها در جهت هدف های توسعه یا تضمین پایداری توسعه عمل نکرده اند. با توجه به محتویات این نوشتار، ضعف عملکرد دولتها در فاز امکان سنجی (فاز صفر) پروژه ها یا طرح های عمرانی، زیربنایی و توسعه ای در ابعاد ملی و محلی، سیاست های حمایتی دولت برای برهم زدن تعادل عرضه و تقاضای زمین در کلاردشت، در اختیارگیری بخش تقاضای زمین و کنترل قیمت های آن توسط رانتهای اقتصادی و اطلاعاتی و نیز فقدان چشم انداز درازمدت برای آینده جامعه محلی کلاردشت، مجموعه علت هایی است که ناپایداری توسعه محلی را در آن منطقه رقم زده است. □
منابع در بخش اول مقاله آمده است.

۱. حذف سیاست های حمایتی غیرمستقیم دولتها برای فروش زمین در کلاردشت و باز پس گیری تمامی اراضی واگذار شده (بیش از ۱۰ هزار هکتار) به افراد و دستگاه های ویژه در ۲۲ سال گذشته.

۲. حذف سیاست های مبتنی بر رانت که در طول زمان، منجر به افزایش کاذب تقاضا و قیمت زمین در کلاردشت، گسترش فرهنگ دلالتی و اقتصاد غیرمولد مبتنی بر واسطه گیری در آن منطقه شده است.

نتیجه گیری

با عنایت به اینکه دغدغه توسعه در پارادایم جدید، خوشبختی همه جانبه نسل بشر است، ولی الگوهای کلاسیک توسعه که به صورت تک بعدی بر توسعه صرف اقتصادی متمرکز است، در هزاره سوم و در عصر حاضر که محیط زیست جهانی بوده و سرمایه های انسانی و اجتماعی پیشران اصلی توسعه تلقی می شود، کارایی لازم را ندارد. با توجه به آنکه الگوهای نوین توسعه، نادیده انگاری محیط زیست را در فراگرد توسعه که سبب فقرزایی و در نهایت ناپایداری توسعه می شود، رد می کند، اما نتایج حاصل از مطالعه های این پژوهش حاکی از آن است که: نگره ها و رویکردهای غالب در کشور ما نسبت به ماهیت و محتوای طرحها و پروژه های توسعه ای، به سمت الگوهای سنتی گرایش دارد.

$$I(t) = I(0) \exp(-t\beta) \quad (9)$$

در رابطه (۹)، $I(0)$ مقدار اولیه سرمایه گذاری فیزیکی (اقتصادی) محلی در کلاردشت در سال ۱۳۸۶ است.

بنابراین همان گونه که پیشتر اشاره شد، با توجه به اینکه سرمایه گذاری اقتصادی در کلاردشت به صورت انباشت بی رویه سرمایه های فیزیکی نمود پیدا کرده، با توجه به اینکه در فراگرد توسعه پایدار بایستی به هر ۴ وجه سرمایه، شامل: سرمایه های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و طبیعی به صورت متوازن توجه شود، مطابق (نمودار ۲)، سیاست پیشنهادی بهینه برای کنترل چرخه تخریب محیط زیست در کلاردشت آن است که؛ در مدت ۸ سال آینده و تا پایان برنامه پنجم توسعه (سال ۱۳۹۴) حجم سرمایه گذاری فیزیکی در آن منطقه کاهش یابد و به حد اپتیمم (بهینه) از پیش مطرح شده در طرح جامع شهری آن منطقه یعنی؛ $Ir-o$ برسد.

همانگونه که در بخش عارضه یابی از قسمت بخش این نوشتار (که در شماره پیش مجله به چاپ رسید) تحلیل شد. برای درهم شکستن تعامل عرضه و تقاضای زمین در یک بازار مبتنی بر رانت در کلاردشت، بایستی دو حلقه کنترلی با بازخورد منفی ایجاد کرد که هدف آن اجرای دوسناریوی زیر به صورت همزمان در مدیریت کلان کشور باشد: